



مقطع تحصیلی: کارشناسی ■ رشته معماری ترم دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹	
نام درس: آرایه و چیدمان وسایل نام و نام خانوادگی مدرس: مهران رضایی	
آدرس email مدرس mehranrezaei056@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۵۶۱۶۲۴۴	
جزوه درس آرایه و چیدمان وسایل	مربوط به هفته : جلسه ششم ■
text: دارد ■ ندارد □	voice: دارد □ ندارد ■
power point: دارد □ ندارد ■	
<h3>رنگ در معماری داخلی</h3>	
<p>بررسی تاثیر متقابل روانشناختی رنگها در کاربرد هنری رنگ اهمیت بسزایی دارد و استفاده متناسب از هر رنگ می تواند کاربرد ویژه ای در طراحی داخلی داشته باشد .</p>	
<p>شکوه و جلوه هر رنگ در کنار رنگ دیگر، اثر واقعی خود را نشان می دهد و هر رنگ نسبت به رنگ دیگر میزان تیرگی یا روشنی اش بهتر نمایان می شود. تغییر دادن این ترتیب طبیعی، ناهماهنگی رنگها را به دنبال دارد و استفاده از این ترکیب ناسازگار، می تواند تغییرات زیادی در دکوراسیون داخلی به وجود آورد .</p>	
<p>هر رنگ دارای ۳ صفت تغییر پذیر است: فام، درخشندگی و پرمایگی. فام، صفتی از رنگ است که جایگاه آن را در سلسله رنگی (از قرمز تا بنفش) معادل با نور طول موج های مختلف در طیف مرئی مشخص می کند. قرمز، زرد و آبی را فام های اولیه می نامند و چون مبنای سایر فام ها هستند، جزو رنگهای اصلی نیز به شمار می آیند .</p>	
<p>گروه دوم فام های ثانویه عبارتند از: نارنجی، سبز و بنفش که از مخلوط مقدار مساوی دو فام اولیه به دست می آید و سومین دسته فام ها نیز از اختلاط فام های اولیه و ثانویه به دست می آیند: زرد و نارنجی (پرتقالی)، نارنجی و قرمز، قرمز و بنفش (ارغوانی)، بنفش و آبی (لاجوردی)، آبی و سبز (فیروزه ای)، سبز و زرد (مغز پسته ای). ۱۲ فام نام برده با ترتیبی معین در چرخه رنگ، قرار می گیرند. در چرخه رنگ، فام های گروه دوم و سوم که بین یک زوج فام اولیه جای گرفته اند، دارای روابط خویشاوندی هستند و در کنارهم ساده ترین هماهنگی رنگی را پدید می آورند . هنگامی که این رنگها با رنگهای خالص سفید و سیاه ترکیب شوند، رنگها و سایه های مختلفی را ایجاد می کند .</p>	



درخشندگی که دومین صفت رنگ است، درجه نسبی تیرگی و روشنی را مشخص می کند. اغلب نقاشان اصطلاح رنگسایه را نیز در همین معنا به کار می برند و معمولاً درخشندگی رنگهای فام دار را در قیاس با رنگهای بی فام می سنجند. در چرخه رنگ، زرد بیشترین درخشندگی (معادل خاکستری روشن نزدیک به سفید) و بنفش کمترین درخشندگی (معادل خاکستری تیره نزدیک به سیاه) را دارد.

پرمایگی (اشباع)، سومین صفت رنگ است و میزان خلوص فام را مشخص می کند (گاه واژه شدت را نیز در این مورد به کار می برند). فام های چرخه رنگ صد در صد خالص اند، ولی در طبیعت بندرت می توان فام خالصی یافت. رنگهای درخشان به تنهایی جذاب هستند، اما اگر در یک الگو یا ردیفی منظم قرار گیرند، از نظر بصری تاثیر بیشتری خواهند داشت.

استفاده از این نوع آرایش یک ساختار ساده را بر رنگها حاکم می کند و در نتیجه یک مفهوم یا نوعی نظم خاص را، ورای حضور محض رنگها، منتقل خواهد کرد. استفاده متناسب از رنگ در دیوارها و پیش زمینه های روشن تاثیر زیادی در محیط به وجود می آورد. رنگهای سرد می تواند کاهش مختصری در دمای بدن ایجاد کنند و رنگهای گرم باعث مختصر افزایش دمای بدن می شوند. به لحاظ بصری، رنگ گرم پیش می آید و رنگ سرد پس می نشیند. استفاده از پنجره ها و مبلمان با زمینه رنگ مطلوب و سایز متوسط تاثیر بسزایی در دکوراسیون داخلی دارد. همچنین مبلمان و پنجره هایی با سایز بزرگ باعث می شود که رنگ آنها با یکدیگر مخلوط شود و از لحاظ تاثیر گذاری بر محیط غالب خواهند شد و ثبات از بین خواهد رفت و نوعی تکان بصری ایجاد می شود. بنابراین با مبلمان و پنجره های متوسط و با رنگی متعادل و متوسط خواهیم توانست ترکیب بندی با ثبات داشته باشیم.

هر ترکیب بندی را می توان کارآمد دانست به شرط این که عناصر صحنه به طور موثر با بینندگان مورد نظر آن، ارتباط برقرار کند. در اغلب موارد، نکته اساسی در شناسایی عناصر کلیدی صحنه نهفته است تا با نظم مبلمان و میزان نور، آنها را از دل سایر عناصر تصویری متفرقه، بیرون بکشید. همین اشیای مزاحم، صحنه ها را مخدوش می کنند و همچنین، بهتر است به جای تمرکز زیاد روی جزئیات خیلی خاص، تنها روی ساختار کلی صحنه تمرکز



کنید. چرا که تاثیر آنها در مقابل ترکیب بندی عمومی، بسیار سطحی است. ملحقات تیره نیز باعث می شود چشمان شما به سمت رنگ تیره تر کشیده شوند و شما در روشی قادر خواهید بود ملحقات و اثاثیه ها را نظم دهید تا هادی دید و کیفیت بصری روان باشند

نگاهی تازه به دکوراسیون داخلی

دکوراسیون داخلی با گستره ای وسیع که هر روز حوضه هایی جدید به آن افزوده میشود در واقع رشته ای است بسیار جامع که اطلاعات زیادی را در شاخه های مختلف می طلبد. هنر یکی از اصول دکوراسیون میباشد که برای آراستن یک محیط به آن نیاز داریم با اینحال هنر با تمام وسعت خود تنها بخشی از نیازهای یک پروژه دکوراسیون را پاسخگوست. شاید برای یک طرح زیبا از دکوراسیون بایست روانشناسی نیز بدانیم. باید بدانیم که تنها زمانی زیبایی اشیاء به نهایت خود نشان داده می شود و در محیط درک میشود که هر چیز در جای خود قرار گیرد.



به طور مثال یک رنگ در محیطی زیبا دیده میشود و در محیطی دیگر ناخوشایند میشود و این حس خوب یا بد نه به ذات رنگ که به قرار گیری و همخوانی با محیط پیرامونش وابسته است. گاهی سیاه زیباترین رنگ است و گاهی سفید زشت ترین رنگ محیط میشود. این امر در استفاده ما از متریالهای مختلف نیز صادق است. گاهی باید



از سنگ استفاده کنیم گاهی از چوب یا آهن یا هزاران ماده و متریال مختلف و این هنر یک طراح است که با دانش خود بتواند متریالهای مختلف را که در برخی موارد دارای تضاد ماهیتی با هم میباشند را نیز به طریقی زیبا در کنار هم قرار دهد که بخشی از یک موضوع واحد گردند. در واقع باید در یک دکوراسیون زیبا ارتباط بین مواد و موضوعات به طوری باشد که همگی یک ماده شوند و تمام رنگها یک رنگ شوند. درست مثل یک طبیعت بکر شوند که همگی با هم یک موضوع را تشکیل دهند. این که چگونه به این تکنیک دست یابیم موضوعی است که نیاز به درست دیدن دکوراسیون دارد.

یعنی بایست دکوراسیون را با تمام پیچیدگی ها و در عین سادگی اش ببینیم. باید طراح خود جزوی از یک طرح شود تا حس دکوراسیون را به درستی درک کند و به آن زیبایی سرشار از هماهنگی و همخوانی دهد. برای رسیدن به این منظور باید با دکوراسیون زندگی کرد و محیط اطراف را احساس کرد باید نقد کرد باید فهمید. باید بدانیم که نیاز به زیبایی دکوراسیون را خلق میکند. پس دکوری که حس زیبایی را منتقل نکند را نمیتوان دکوراسیون نامید. در راستای همین موضوع از این پس سعی خواهیم کرد که سلسه موضوعات دکوراسیون را بیشتر در شاخه های مختلف در اینجا مطرح کرده و به نقد آن پردازیم تا درک بهتری از یک محیط زیبا بدست آوریم.